



پرش خیره کننده «خامس رودریگز» در بازی بایرن مونیخ و اندرلخت در لیگ قهرمانان اروپا، عکس از تلگراف

اهالی قبیله توربجان در اندونزی در جریان یک مراسم سالانه مردگان خود را از گور خارج می کنند و به آن ها لباس می پوشانند، عکس از گاردین



حرکت دسته جمعی پنگون ها در زمان طلوع خورشید عکس روز نشنال جئوگرافیک

دنیایه واریت تصویر

در محضر بزرگان

سه عامل ذلت انسان ها

حجت الاسلام حسینی قمی درباره ۳ عملی که انسان را به ذلت می کشاند، گفته اند:

امام علی(ع) می فرمایند: «هرکسی که طمع پیشه کند خود را حقیر کرده و کسی که ناراحتی هایش را (نزد این و آن بدون هیچ فایده) فاش کند به ذلت خویش راضی شده و آن کسی که زبان اش را بر خود امیر کند، شخصیت اش حقیر خواهد شد.»
اولا طمع این است که انسان به امور مادی و آن چه در دست دیگران است علاقه مند باشد و برای رسیدن به آن هر گونه ذلتی را بپذیرد. ثانیاً، اگر کسی سفره دلش را نزد هر کس و ناکسی باز کند خودش را ذلیل کرده است. یک وقت انسان نزد یک برادر ایمانی که می تواند مشکل او را برطرف کند، درد دل می کند، عیبی ندارد اما این که هر کجا نشستیم سفره دلمان را باز کنیم خودمان را کوچک کرده ایم. ثالثاً، اگر کسی زبان اش بر او حکومت کند و اسیر زبان اش باشد، خودش را ذلیل کرده است.
امیرالمؤمنین(ع) می فرمایند: «کسی که سخن اش بسیار شود و بر حرف باشد خطای او فراوان خواهد بود و کسی که اشتباهات اش زیاد شد، باید عذرخواهی کند.»

منبع: تارنمای سمت خدا



یادبود

سردار موتور سوار!

۲۳ شهریور سالروز تولد فرمانده غیور و جوانمرد خراسانی، سردار شهید «عبدالحسین برونی» است. اگر تا به امروز فیلم «به کبودی یاس» را ندیده اید، پیشنهاد می کنیم که همین امروز به بهانه سالروز تولد «برونی» این فیلم را تهیه و با دیدن آن، بیشتر در جریان سبک زندگی این شهید قرار بگیرید. با این حال و در ادامه ۳ خاطره خواندنی درباره شهید برونی را خواهید خواند.

توجه ویژه به فرزندان در مرخصی ها

یکی از فرزندان شهید می گوید: «مرخصی هم که می آمد، کم می دیدیمش. ولی در همان وقت کم، سعی می کرد تمام نبودن هایش را جبران کند. هم به ما محبت می کرد، هم نماز خواندن یادمان می داد، هم از درس و مشق مان می پرسید. مدرسه هم حتی می آمد. از مدیر و معلم درباره درس خواندن و درس نخواندن مان سوال می کرد. اگر چیزهایی را که انتظار نداشت، می شنید، بعدش کلی باهامان حرف می زد و نصیحت مان می کرد. هیچ وقت دستش را روی مان بلند نکرد.»

موتور خراب سردار!

یکی از هم محله ای های شهید می گوید: «طرف با یک موتور گازی آمد جلوی در مسجد. سلام کرد. جواش را با بی اعتنائی دادم. دستانش روغنی بود و سیاه. خواست موتور را همان جلو ببندد به یک ستون، نگذاشتم. گفتیم: «اینجا نمی شه بپندی عمو، با نگرانی ساعت را نگاه کردم. دوباره خیره شدم به سر کوچ. سه، چهار دقیقه گذشت و باز هم خبری نشد. پیش خودم گفتم: «مردم رو دیگه بیشتر از این نمی شه نگه داشت؛ خوبه برم به مسئول پایگاه بگم تا یک فکری نکنیم.» یک دفعه دیدم بلندگوی مسجد روشن شد و جمعیت صلوات فرستادند! مچری گفت: «نمازگزاران عزیز در خدمت فرمانده بزرگ جنگ حاج عبدالحسین برونی هستیم که به خاطر خرابی موتورشان کمی با تأخیر رسیده اند.» با تعجب رفتم داخل مسجد.»

توجه ویژه در استفاده از بیت المال

همسر شهید می گوید: «پسرم از روی پله ها افتاد. دستش شکست. بیشتر از من عبدالحسین هول کرد. بچه را که داشت به شدت گریه می کرد، بغل گرفت. از خانه دوید بیرون. چادر سرم کردم و دنبالش رفتم. ماتم برد وقتی دیدم دارد می رود طرف خیابان. تا من رسیدم بهش، یک تا کسی گرفت. در حالی که در آن لحظه ها، ماشین سیاه جلوی خانه پارک بود.»

بر گرفته از کتاب سالکان ملک اعظم ۲ «منزل برونی»

کاریکلماتور



اندک صبر

شادم!

ای چای! دمت گرم که دم آمده ای
ای صبح! چه خوش به جام جم آمده ای
ای دختر آفتاب! ناز قدمت
شادم که به جای هر چه غم آمده ای

شهردامیدری

دور دنیا

دختری با اشک های پنبه ای!



از این اشک های پنبه ای از چشمان او خارج می شود و اهالی روستا عقیده دارند که جن وروح وارد بدن این دختر شده است! به دلیل همین عقاید خرافی اهالی روستا او خانواده اش را طرد کرده اند.

محصول گران قیمت بی ارزش!



معروف فرانسوی به تازگی وسیله تزئینی عجیب و گران قیمت اش را وارد بازار کرده است. این برند، سنگ های معمولی کنار رودخانه ها را جمع آوری کرده و با استفاده از یک روکش چرمی آن را تزئین کرده است! قیمت همین کالای به ظاهر بی ارزش، ۸۴۰ دلار است! طراح این محصول ادعا می کند؛ سنگ هایی را استفاده می کند که هیچ کس در هیچ جای دنیا نمی تواند دقیقاً مشابه آن را بیابد!

روباتی که به بوی پا حساس است!



آدیتی سنترال/ ژاپنی ها که هر روز در صنعت ساخت روبات قوی تر می شوند، به تازگی روباتی ساخته اند که شبیه یک سگ کوچک است و با بوی بد پاها دچار غش و ضعف می شود! بوی بد پا در ژاپن یک معضل اساسی است چرا که بر خلاف کشور های غربی مردم با وارد شدن به خانه کفش هایشان را از پا در می آورند و به همین دلیل بوی بد پا بسیار ناپسند است. این روبات شخصی در لحظه به صاحب اش کمک می کند تا از وضعیت بوی پاهای خودش با خبر شود!

وسيله اى براى تشخيص اصل از تقلبى!



دیلی میل/ صنعت کالاهای تقلبی در دنیا حدود ۴۶۰ میلیارد دلار در دنیا ارزش دارد! این رقم بالا نشان می دهد که بسیاری از کالاهایی که ما به عنوان جنس اصل می خریم، تقلبی است. یک شرکت آمریکایی برای این که به افراد ثروتمند کمک کند تا کیف هایشان را با برند اصلی خود خریداری کنند، یک اسکنر قابل حمل طراحی کرده است که با وجود آن می توان جنس اصل را از جنس تقلبی تشخیص داد! قیمت برخی مارک های معروف کیف دستی آن قدر بالاست که سایر شرکت ها را وسوسه می کند تا جنسی مشابه آن بسازند.

کله چفوکى

آق کمال خانه نویی می برد

فربرز پسر داییم خانه عوض کرده بود و م ز م به زور دعوت کرده بود. دستش درد نگیر، ولی کارش همیه. سالی یک بار خانه عوض مکنه و همه فامیل رم خبر مکنه تا تو رودرواسی بمانی و بر اش خانه نویی بخرن. زورش هم میه اقلا شام بده. با یک چای و شرنی سر و تپشه هم مباره. عیال گفت: «یه چیز آبرومندانهای باید ببریم.» گفتم: «آبرومندانه یعنی چی؟ ما باید به جیب خودمان نگاه کنیم.» کاملیاخانم گفت: «اگه قراره به جیبمون نگاه کنیم که همون بهتر چیزی نبریم!» گفتم: «دست شما درد نگیره! یک کاسه ای، کوزه ای، چیزی تو خانه ندارم که استفاده نکرده باشیم؟» ناراحت شد و گفت: «دست بردار! دیگه این کار از مد افتاده که هر چی تو خونه داریم دست به دست کنیم و چند نسل یک دست پلوخوری رو به همدیگه کمال بدهیم!» گفتم: «خانم جان! مو ای فربرز ره مشناسم. اصلا بری که کادو گیرش بیاد هی خانه عوض مکنه. وگرنه کج که ندره سالی یک بار هی اسباب کشی کنه» عیال با ناراحتی گفت: «پس به من مربوط نیست. ولی اونجا میگم این سلیقه کمال بوده و من توش نقشی نداشتم!» گفتم: «آی باریکلا. شما بسپرن به مو، بدنم چی کار کنم.»

راه افتاده طرف خانه شان. عیال دل تو دلش نبود و هی مُگفتم: «دست خالی نبریم، زشته!» مویم خیلی خونسرد مُگفتم: «شما جوش زن، بسپرش به مو!» رسیدم و رفتم تو. داییم و زن داییم و خوش و خشر فربرز هم بودن. بالیبت دست کردم تو جیبم و یک پاکت درآوردم و گفتم: «ایم کادوی مو و کاملیاخانم. ایشالا صابونه هزار ساله بشن!» چشم همه چارتا رفت. فکر کردن سکه یا کارت هدیه یا تراوله. چشمامی فربرز برق مرز. با ذوق در پاکت ره وا کرد و واچرتید. همه اصرار که چیه، نشون بده. با یک حالی رو به همه گریفت. گفتم: «یکی از عکس های دوران خردوبی مو و فربرز جان، وقتی رفته بودم وکیل آباد و فربرز جان سرپایی هاشه گم کرده بود. یادته؟ چقدر خوش گذشت. ای ره یادگاری نگه داشتم بؤدم بری همچی روزی که خاطره ها تازه بره.» عیال کلی ذوق کرد. همه با خنده عکس پابرهنه فربرز در دست در نمی آمد. آمد جلو باهام روپوسی کنه، در گوشم گفت: «یکی طلبت!» از تر صورتم چسبوندم بهش و گفتم: «تازه یک عکس هم ازت دژم که دماغت درآمده، خانه بعذیت او ره میازم!» مرتیکه کلیسه زور گیر!

نیاز طنزی



ماوشما

« در صفحه اول زندگی سلام جمله «مرد پارتی بی خانه شد» حالت طنز دارد و انگار نویسنده آثار باستانی و غارت آن ها را یک جوک می داند که بهتر است وقت نکند.
«پرونده هاتون مسخره شده. همه اش در مورد حقوق و ازدواج و مهریه بازیگر هائی نویسد. بایا این همه موضوع، تفکر لطفا.
« مطلب جای خالی هزاران زن در قاب سینما واقعا عالی بود! دست مریزا داد! ایول!

« می خواهم بدانم مهریه کاملیا خانم همسر آق کمال عزیزمان چند سکه است؟!
« یک جوری از مهریه کم بازیگران نوشتید انگار این ها زن کارگر جماعت شدن! مخارج روزانه این بزرگواران رو هم بگید. البته ما که بخیل نیستیم. نوش چون شون!
« لطفا با آغاز سال تحصیلی جدید از حال و هوای مدارس تو بخش زندگی سلام دلنوشته چاپ کنبد. فهیمه کشته گر، درگز
« همسر عزیزم «زینب»، با این که می دونی وضع مالی خوبی ندارم ولی همیشه همرا می. ازت ممنونم. شوهرت بهمن بیدی کی
« دختر گلم زهرا جان، قبولی ات در دانشگاه نیشابور رو بهت تبریک می کم. موفق و خوشبخت باشی.
« معصومه جان، ای تنها دلیل بودنم؛ خلاصه می گویم: «ای اسطوره عشق، عاشقانه دوستت دارم.»



زوم

مخاطبان گرامی، شما می توانید عکس های جالبتان را به ایمیل photo@khorasannews.com بفرستید تا با نام خودتان چاپ کنیم.



استفاده ای متفاوت از زندگی سلام برای کادو کردن! عکس: حسین مقدسی

خودمونو

درباره زمان و لیز بودن آن!

چند روز پیش دوستی از من پرسید که پیشنهادی نداری برای گذراندن یک بعداز ظهر پر ملال؟ و من بیش از حد انتظام از غریبگی این جمله برای حال این روزهایم تعجب کردم. بعد، تمام آن روز به این فکر کردم که چقدر در روزهای پر مشغله ام به برخی آدم ها زل زده ام، به آدم هایی که در کافه ها بیکار و بی خیال نشسته اند یا توی خیابان و بازار به ویتترین ها زل می زنند و من همان لحظه، توی اتوبوس شلوغ، مدام به ساعت نگاه می اندازم و به پسرم فکر می کنم و به راه برگشت و شلوغی خیابان، به ناهاری که باید فردا بپزم، به لباس های چرک لتنیار شده ای که باید شسته و اتو شود، به خانه ای زیر خروارها اسباب بازی، به مهمانی هایی که باید بدهم و به دیگران بدهکارم و ... و بعد به این فکر می کنم که زمان، عجب مفهوم غریبی است و من چند سال پیش دقیقاً کجای آن ایستاده بودم و با آن همه زمان چه می کردم؟ حالا هم هزاران زن مثل من وجود دارند که صبح تا شب با کار و بچه داری و خانه داری سر و کله می زنند و از زمان بسیار طلبکارن. زن هایی که مدت هاست یک دل سیر نخوابیده اند. زن هایی که مدت هاست یک چای ساده و بی دغدغه نخورده اند. زن هایی که ... اما نه! من به آن ها فکر نمی کنم. من به زن هایی فکر می کنم که زمان در دستشان است. زن هایی که ساعت های طولانی روزشان متعلق به خودشان است. هر وقت می خواهند می خوانند و با کوک ساعت شان بیدار می شوند، نه با گریه کودکی بی تاب. هر وقت می خواهند به دیدن دوستان شان می روند. همه زمان های روز را می توانند کتاب بخوانند، رادیو گوش بدهند و فیلم ببینند. من به زمان هایی فکر می کنم که مثل ماهی شرمی خورند و از دستمان می روند. می خواهم بگویم: «لطفا مراقب زمانتان باشید. نگذارید ملال روزهای شما را ببلعد.»

الهام یوسفی

می خوای بیای بزنی مون؟!

سلام چندپیامک خونین با جوابش: ۰۹۱۵۹...۳۳۸: این چه وضعشه!یه ذره فسفر تو کله مون بود اونم سوزوندین رفت! اخیلی سخته «مریض مرخص کردن» توی مسابقه ۱۸۶ خفن جان! یکم آروم تر لطفاً! پوپاسلحشور از شیروان – اون مریضی که چشم و گوشش هنوز بسنه نبود فلش خورده بود که می شد «چشم گوش باز»: چشم. آروم می ریم. ۰۹۳۵۹...۵۰۷: پدرم در اومد! این دوهفته رو کی طراحی کرده!!!! – اگه می خوای بیای بزنی که آدرس عوضی بدم! اگه نمی زنی راستشو بگم: طراح عوض نشده! بنده همون طراح همیشگی هستم. اسمم هم که هست اون گوشه. نیای بزنی مون صلوات! * ۰۹۱۵۴...۲۳۴: اگر هدفتان لذت بردن مخاطبه، من دوستانا لذتی این کار نمی بینیم و شرکت نمی کنیم. پیشنهاده: مسابقه هفتگی باشد. متنوع باشد. جایزه مشخص باشد. – ممنون. ببینیم بقیه چی میکن، فعلاً!

1sargarmi.ir

با نگاه طنز، زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتیم. بعدش هر حرف الفبا رو به علامتی تبدیل کردیم. شما بگین کلمات چی هستن! پاسخ رو تا ساعت ۲۳ فقط به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای کسانی واریز می شه که پاسخ صحیح ۳ مسابقه پیاپی رو فرستاده باشن. پاسخ در ستون «ما و شما» ی بعدی! متن کل پیامک های رسیده در وب سایت!



!< (/>!



|/x{!|



x||=-÷!x*